

خداوند ضامن پیروزی ماست

عمل به «سنت‌های الهی»
کلید پیروزی حق بر باطل

در جهان بینی اسلامی، هستی بر مجموعه‌ای از قوانین استوار است که خدای بزرگ آن‌ها را مقدر کرده است. این قوانین که در ادبیات قرآنی با نام «سنت‌های الهی» شناخته می‌شوند، چارچوب اصلی حاکم بر پدیده‌های طبیعی و اجتماعی را تشکیل و مسیر حرکت تاریخ را توضیح می‌دهند. رهبر شهید انقلاب، با الهام از آیات الهی و آموزه‌های اهل بیت (ع)، این سنت‌ها را کلید فهم حرکت ملت‌ها و تضمین‌کننده پیروزی حق بر باطل می‌دانستند. ایشان بارها تأکید کرده بودند که اگر جامعه‌ای این قوانین الهی را بشناسد و در عمل به آن‌ها پایبند بماند، نصرت الهی نیز به دنبال آن خواهد آمد.



یاری دین خدا؛ شرط یاری الهی

یکی از اساسی‌ترین سنت‌های الهی که در سخنان شهید عزیز آیت... خامنه‌ای بر آن تأکید شده است، شرطی بودن نصرت الهی در گرو یاری دین خداست. این یاری صرفاً یک شعار نیست، بلکه شامل تمام اعمال و نیت‌هایی است که در جهت رضایت خداوند و پیشبرد اهداف الهی در جامعه انجام می‌شود. ایشان می‌فرمودند: «همه ما بدانیم که تا در راه خدا و برای خدا کار می‌کنیم، حرکت می‌کنیم. حرف می‌زنیم، خدا به ما کمک خواهد کرد؛ این وعده الهی است. جامعه‌ای که نیت‌های خود را خدایی کند، بی‌تردید مشمول امداد‌های الهی خواهد شد.»

ایستادگی؛ رمز عبور از سختی‌ها

تاریخ نشان داده است که پیروزی‌های بزرگ اغلب از دل سختی‌ها و آزمون‌های دشوار به دست آمده‌اند. رهبر شهید انقلاب با اشاره به روزهای نخست دفاع مقدس، فضای یأس‌آور آن روزها را چنین یادآوری می‌کردند: «زمانی که در جبهه‌ها جز اندوه و تاریکی چیزی دیده نمی‌شد، اما همان‌جا جوانانی ایستادند که با ایثار و مقاومت خود ورق را برگرداندند.» ایشان تأکید می‌کردند که جهاد و ایستادگی در راه خدا، مسیر هدایت و نصرت الهی را هموار می‌کند. درواقع، مقاومت در برابر سختی‌ها پلی است که جامعه را از بحران به پیروزی می‌رساند.

تلاش، اقدام و کار

تحقق وعده‌های الهی، تنها با انتظار و آرزو ممکن نمی‌شود، بلکه نیازمند حرکت و تلاش است. رهبر شهید انقلاب بارها تأکید کردند که پیروزی جبهه حق قطعی است. اما این پیروزی زمانی تحقق می‌یابد که جامعه مؤمنان در میدان عمل، فعال باشند. ایشان می‌فرمودند: «شرط تحقق این سنت الهی، آن است که ما تلاش کنیم، ما حرکت کنیم، ما کار کنیم.» در چنین شرایطی، سنت الهی اقتضای کند که دشمن در برابر اراده ملت‌های مقاوم عقب‌نشینی کند. از این منظر، پیروزی نتیجه طبیعی ایمان، مقاومت و تلاش مستمر است؛ همان سنتی که در طول تاریخ، بارها تکرار شده است و آینده را نیز رقم خواهد زد.

عقب‌نشینی دشمن در برابر پایداری

یکی دیگر از سنت‌های تکرارشونده الهی در تاریخ، عقب‌نشینی دشمن در برابر مقاومت است. رهبر شهید انقلاب با استناد به آیات قرآن می‌فرمودند که عقب‌نشینی در برابر دشمن، اورا گستاخ‌تر می‌کند. اما ایستادگی، معادلات را تغییر می‌دهد. بر اساس این سنت الهی، اگر ملت‌ها در برابر ظلم و زورگویی بایستند، دشمن ناچار به عقب‌نشینی خواهد شد.

ما مردم ۴۰ روز است مبعوث شده‌ایم

در ادبیات و فرهنگ قرآنی، «بعثت» تنها یک واژه نیست؛ مفهومی است از برانگیختن، از حرکت دادن انسان به مرحله‌ای تازه از تکامل؛ لحظه‌ای که جامعه از سکون عبور می‌کند و به افق تازه‌ای از آگاهی و مسئولیت می‌رسد. در این روزها، خون رهبر شهیدمان، چنین نقشی را برای ملت ایران ایفا کرد؛ دریایی جوشان که جامعه را به مرحله‌ای از تحول رساند که حاصل آن همدلی، هم‌بستگی و ایستادگی در برابر مستکبران جهان بود. رهبری که در سال‌های حیات خودشان، بذرهایی در دل این ملت کاشتند؛ بذرهایی از آگاهی، اعتماد به نفس ملی و ایمان به قدرت مردم. آن بذرها اکنون با خون ایشان به بار نشست‌اند و چه میوه‌ای پربارتر از پیروزی و ایستادگی ملتی که در برابر بزرگ‌ترین ابرقدرت جهان، سر خم نکرد؟ امروز که در سوگ چهلم شهدا و هستیم، تلخی فقدان با شیرینی مقاومت و پیروزی مردم درهم آمیخته است. ما میراث‌دار خامنه‌ای بزرگی هستیم که به ما آموخت مردم ستون اصلی این سرزمین‌اند؛ به شرط آنکه همچون گره‌های فرش ایرانی، درهم تنیده و پیوسته بمانند. او چهل روز پیش، جبرئیل‌گونه بر دهانه غار تنهایی ما ظاهر شد و خبر از بعثتمان داد. ما مردم چهل روز است مبعوث شده‌ایم و پیام‌آوران آیین مقاومت و صبوری هستیم.



• صاحب امتیاز: شهرآر؛ مشهد
• مدیرعامل مؤسسه شهرآر؛ سید مینم موسوی مهر • سردبیر: سید سجاد، طلوع هاشمی
• دبیر ضمایم: آرنگ حاتمی • دبیر ضمیمه مترو: امیررضا وثوقی • گرافیک: حامد خاکیپور

پیام‌های خود را از طریق پیامک
برای ما ارسال کنید

۳۰۰۰۷۲۸۹

بعثت خاتمه



روزنامه
شهرآر مترو
۸۸۳ ۵۵ ۵۱ ۲۰

چهل روز از شهادت رهبر عزیزمان، امام خامنه‌ای، گذشته است. چهلم ایشان اما تنها یک مراسم سوگواری نیست؛ تقارن عجیبی با لحظه‌ای تاریخی پیدا کرده است. درحالی‌که مردم ایران برای چهلم پیشوای خود گردهم آمده‌اند، آتش بس موقت اعلام شده و دشمن عقب نشسته است. در این چهل روز، آنچه بیش از هر چیز در تحلیل‌ها تکرار شد، حضور مردم در میدان بود، مردمی که نه فقط در پشت جبهه، بلکه در متن معادله جنگ ایستادند و اجازه ندادند سناریوهای طراحی شده دشمن به نتیجه برسد. شاید عجیب‌ترین و درعین حال معنادارترین توصیف را آلون میزراحی، تحلیلگر یهودی ضد صهیونیسم، مطرح کرد. او با نگاهی فراتر از خطوط دیگری گفت: «ایران، شخصیتی سرگ در رهبری خود داشت.» و اعتراف کرد که ترامپ در نهایت ناچار شد شرایط ایران را ببیند: «چون ایران در هر روز از این ماجرا، برنده بود.» امروز، در چهلمین روز شهادت رهبرمان، می‌توان دید که چگونه آموزه‌های ایشان در یکی از بزرگ‌ترین نبردهای تاریخ کشور به ثمر نشسته است؛ جایی که مردم لحظه‌ای خیابان را خالی نکردند و با توسل به رهبر شهیدشان، پرچم ایستادگی را بالا نگه داشتند.

بر پیمان با رهبرمان ایستادیم

مردم، پیمانی را که با رهبرشان بسته بودند، فراموش نکردند. رهبر شهیدمان در یکی از آخرین توصیه‌های خود پیش از شهادت، جمله‌ای گفته بودند که حالا معنایش برای همه روشن‌تر شده است: «چنانچه حادثه‌ای برای کشور پیش بیاید، خدای متعال این مردم را مبعوث خواهد کرد برای مقابله با حوادث، و کار را مردم تمام خواهند کرد.» این سخن، تنها یک توصیه نبود؛ پیش‌بینی واقعیتی بود که در همین چهل روز رخ داد. وقتی خبر شهادت رهبر حکیم انقلاب رسید، بسیاری تصور می‌کردند جامعه دچار فروپاشی روحی شود. اما برعکس، همین خون به نیرویی تازه تبدیل شد. مردم احساس کردند اکنون وظیفه‌ای بزرگ‌تر بر دوش دارند؛ وظیفه حفظ پرچمی که رهبرشان برای آن ایستادگی کرده بود. از همان روزهای نخست، خیابان‌ها پر از جمعیت شد؛ نه از جنس اعتراض و آشوبی که دشمن انتظار داشت، بلکه از جنس حضوری آرام اما قدرتمند؛ حضور مردمی که آمده بودند بگویند پیمانشان با انقلاب و کشور، با شهادت رهبرشان پایان نیافته است. آنان با خون امام شهیدشان، بیعتی تازه بستند؛ بیعتی برای حفظ نظام و ادامه راه شهیدان.

پیمانی که در روزهای سخت، فراموش نشد

روزهای نخست پس از شهادت رهبر فرزانه انقلاب، برای ملت ایران، روزهایی سرشار از اندوه و بهت بود. جامعه در یاسی جانکاه فرو رفته بود؛ فقدان پیشوایی که در طول دهه‌ها راهنمای مسیر انقلاب و کشور بود، زخمی عمیق بر دل مردم گذاشت. دشمن نیز همین لحظه را فرصت می‌دانست.



هم‌زمان با حمله به کشور، تحلیلگران و اتاق‌های فکر آنان امیدوار بودند که این غم بزرگ به دلسردی اجتماعی تبدیل شود و خیابان‌ها به آشوب کشیده شود. سناریوهای مختلفی برای این هدف طراحی شده بود؛ از جنگ روانی گرفته تا تلاش برای ایجاد شکاف اجتماعی. اما آنچه رخ داد، برخلاف همه این محاسبات بود.

بیعتی که به قدرتی ملی، تبدیل شد

ثمره این بیعت مردمی، چیزی بود که در طول چهل روز گذشته، همه جهان آن را دید. مردمی که با خون رهبرشان پیمان بسته بودند، به نیرویی فولادین تبدیل شدند. در این مدت، ایران تنها با توان نظامی خود نمی‌جنگید، بلکه با اراده یک ملت به جنگ دشمن رفته بود. درکنار نیروهای مسلح کشور از ترش و سپاه تا فراجا که ماه‌ها در آماده‌باش کامل قرار داشتند و در طول نبرد با موج‌های پی‌درپی حملات موشکی، هیمنه دشمن را شکستند. مردم نیز میدان را خالی نکردند. آنچه در خیابان‌های شهرها دیده می‌شد، تصویری یک هم‌بستگی ملی کم‌نظیر و بیعت با رهبر شهیدمان بود.

هرکس به سهم خود در میدان حضور داشت؛ پدری دست فرزندش را می‌گرفت و به خیابان می‌آمد تا نشان دهد که کشور تنها نیست. کاسبی در بازار انصاف بیشتری به خرج می‌داد تا فشار اقتصادی جنگ کمتر شود. گروهی از جوانان، فعالیت فرهنگی راه‌انداختند تا حضور شبانه مردم در خیابان‌ها به نمادی از هم‌بستگی تبدیل شود.

در گوشه‌ای دیگر زنان و مادران دورهم جمع می‌شدند و برای جمعیت حاضر در اجتماعات، خوراکی و ساندویچ آماده می‌کردند. برخی‌ها پلاکاردهای مفهومی طراحی می‌کردند و هر شب در خیابان‌ها با شعارهای قدرتمندانه به مردم روحیه می‌دادند. این صحنه‌ها نشان می‌داد که جامعه، تنها نظاره‌گر جنگ نیست، بلکه خودبخشی از معادله پیروزی است. همین حضور گسترده بود که بسیاری از نقشه‌های دشمن را ناکام گذاشت. دشمن انتظار داشت جنگ به شکاف اجتماعی تبدیل شود، اما نتیجه برعکس شد؛ جنگ به عامل انسجام ملی، تبدیل شد.

زنان؛ محور بعثت با آقا و ستون حضور مردمی

درمیان همه این صحنه‌ها، نقش زنان بیش از هر چیز چشمگیر بود. در چهل روز گذشته، هرکس که در خیابان‌های شهر قدم زده باشد، به وضوح دیده است که بانوان و حلقه‌های خانوادگی، محور اصلی حضور مردمی بودند. زنانی که شجاعانه در خیابان‌ها ایستادند و نشان دادند که دفاع از کشور فقط مسئولیت مردان نیست. آنان با حضور خود، فضای شهرها را به محیطی از امید و استقامت تبدیل کردند و آتش دشمنی ملت ایران با رژیم صهیونیستی را زنده نگه داشتند. این نقش آفرینی، ریشه در نگاه متعالی اسلام به زن دارد؛ نگاهی که رهبر شهید انقلاب سال‌ها بر تبیین آن تأکید کردند. ایشان بارها گفته بودند: «شان زنان در اسلام، شان والا و بالایی است... جمهوری اسلامی با پیشرفت علم در کشور، بانوان را در عرصه‌های علمی، اجتماعی، سیاسی و ورزشی به جایگاهی رسانده که در تاریخ ایران بی‌سابقه است.» رهبر شهید انقلاب همواره هشدار می‌دادند که رسانه‌ها مراقب باشند ابزار ترویج نگاه سطحی و سرمایه‌داری غرب درباره زن نشوند؛ زیرا زن در نگاه اسلامی نه موجودی حاشیه‌ای، بلکه نیرویی فعال و اثرگذار در جامعه است. امروز می‌توان دید که این نگاه، چگونه در بزنگاه‌های تاریخی به ثمر می‌نشیند. زن مسلمان ایرانی که سال‌ها در عرصه‌های علمی و اجتماعی رشد کرده است، در لحظه‌های سرنوشت‌ساز نیز پیشگام حضور اجتماعی می‌شود. خروش زنان در خیابان‌های شهر، جلوه‌ای از همین آگاهی و بینش است.

این همان بعثتی است که خون رهبر شهید انقلاب در دل جامعه ایجاد کرد؛ بعثتی که نشان داد آگاهی مردم و حضور آنان، بزرگ‌ترین سرمایه انقلاب اسلامی است. تجربه این چهل روز، بار دیگر یک حقیقت را روشن کرد: تا زمانی که این انقلاب پشتوانه مردم را دارد، مسیر آن ادامه خواهد داشت.





پیروزی ایران

در آینه رسانه‌ها و تحلیل‌گران دنیا

با تغییر موازنه قدرت به نفع ایران؛ پیروزی، نه در

شعارها بلکه در اعترافات رقیب ثبت شده است

آتش بس همیشه فقط یک نقطه در تقویم جنگ نیست؛ آیینی‌ای است که بعد از فرونشستن دود، چهره واقعی بازنده و برنده را نشان می‌دهد. اتمام موقت جنگ و آتش بس پیروزمندان کشورمان، وقتی در آیینی نقل قول‌های سیاست‌مداران و کارشناسان آمریکایی، اروپایی و اسرائیلی دیده شود، تصویر دیگری می‌سازد، «جایی که آمریکا دیگر توان ادامه جنگ را نداشت، همه تیرهای اسرائیل به سنگ خورد و فشار برای کش دادن درگیری، از دوش ترامپ برداشته نشد، بلکه روی همه ساختار قدرت در واشنگتن آوار شد.» اینجا همان نقطه‌ای است که در روایت‌های خارجی، از «تغییر موازنه قدرت در منطقه» و «شکست آشکار ائتلاف آمریکایی صهیونیستی» حرف زده می‌شود؛ جایی که آتش بس نه پایان موقت جنگ، که ثبت رسمی یک شکست راهبردی برای آن‌ها و یک پیروزی ساختاری برای ایران توصیف شده است.

فاجعه‌ای بین‌المللی سرهیچ‌ویچ

در سطحی دیگر نویسندگان و چهره‌های فرهنگی هم وارد میدان شدند. دن وینسلو، نویسنده مشهور آمریکایی، ترامپ را «یک بازنده بزرگ» خواند که «سر هیچ‌ویچ، یک فاجعه بین‌المللی ایجاد کرد و بعد در مذاکره‌ای، همه چیز را واگذار کرد.»

استیون کینگ، رمان‌نویس مطرح، هر گالن بنزین ۵۴.۲۲ دلاری را مستقیم به «انتخاب یک احق برای ریاست جمهوری و اجازه دادن به او برای شروع جنگ بدون تأیید کنگره» ربط داد. هری سیسون، فعال رسانه‌ای، خلاصه کرد: ایران کنترل کامل تنگه را می‌گیرد، تحریم‌ها برداشته می‌شود، اورانیوم و موشک‌ها می‌مانند، «پس جنگ چه فایده‌ای داشت؟»

بزرگ‌ترین شکست راهبردی آمریکا

تیموتی اسنایدر، مورخ آمریکایی، و رابرت پیپ، استاد دانشگاه شیکاگو، نیز تصویری بزرگ‌تر را ترسیم کردند: به باور آن‌ها، طرح صلح‌ده‌ماده‌ای که ترامپ پذیرفته است، «بزرگ‌ترین شکست راهبردی آمریکا از زمان ویتنام» و نشانه «ظهور ایران به عنوان چهارمین مرکز قدرت جهان» است. این سطح از اعتراف، آن هم از دل دانشگاه‌ها و اتاق‌های فکر آمریکا، آتش بس را از یک توافق موقت، به سند رسمی افول اعتبار قدرت آمریکا و صعود ایران، بدل می‌کند.

ایران را «شکست راهبردی خیره‌کننده» دانست و هشدار داد که زیرساخت‌های نفتی خلیج فارس، سال‌ها زمان برای بازسازی می‌خواهند، یعنی قیمت نفت به این زودی‌ها به سطح قبل از جنگ برنمی‌گردد.

تحریم‌های ایران، بی‌اثر شدند

در واشنگتن، تحلیلگران رسانه‌ای مثل استنگل در تایم یادآوری کردند که در نهایت، ترامپ تنگه‌ای را «باز» کرده است که پیش از حمله‌اش باز بود؛ با این تفاوت که این بار، کنترل نمادین و اقتصادی آن در دست تهران است و تحریم‌ها هم عملاً بی‌اثر شده‌اند. سی‌ان‌ان، تصویر کلی‌تری ارائه کرد: ایران «همچنان بی‌باک و شجاع» است، چین قدرتمندتر شده، روسیه ثروتمندتر، ناتو ضعیف‌تر و آمریکا «کم‌کم‌تر و منزوی‌تر»؛ جنگی که «با شکست کامل» پایان یافت و ترامپ را در جایگاه «تنها رئیس‌جمهور تاریخ آمریکا که به تنهایی جنگی را شروع کرد و آن را باخت» نشانند.

در مقابل ایران، به ناله گریه تبدیل شده است. «دنی سیتربوویچ، تحلیلگر ارشد امنیتی اسرائیل، اگرچه از منظر تل‌آویو سخن می‌گوید، عملاً در حال ثبت پیروزی تهران است؛ اگر ایران تضمین‌هایی براساس «اصل» توافق به دست آورده باشد، «این یک نتیجه حاشیه‌ای نیست، بلکه پیروزی راهبردی برای تهران است که روایت و موضع آن را تقویت می‌کند.» امیر ترفاتی، کارشناس مشهور اسرائیلی، نیز با لحنی آمیخته به ناامیدی می‌نویسد: «این نه یک روز بزرگ است نه آغاز عصری طلایی؛ ایران با میلیاردها دلار درآمد از تنگه هرمز، خودش را بازسازی خواهد کرد و روسیه و چین در صف ایستاده‌اند تا هرچه تهران نیاز دارد، تأمین کنند.»

منافذ اقتصادی جنگ، شاید از هر چیز دیگری عریان‌تر نتیجه درگیری را نشان می‌دهد. آسوشیتدپرس، به نقل از مقامات منطقه‌ای، نوشت که طرح آتش بس دو هفته‌ای شامل بندی است که به ایران و عمان اجازه می‌دهد از کشتی‌های عبوری از تنگه هرمز، حق ترانزیت دریافت کنند؛ درآمدی که ایران برای بازسازی استفاده خواهد کرد. اپتن لوینس، خبرنگار آمریکایی، به نقل از همین گزارش، عدد را هم روشن کرد: «۲ میلیون دلار برای عبور هر کشتی؛ این برای ترامپ بدتر از آن چیزی است که فکر می‌کردم.»

سایه ایران بر ۲۰ درصد انرژی دنیا

همچنین جنیس اشتاین، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه تورنتو، آتش بس را «یک شکست بزرگ برای آمریکا» خواند؛ چون ایران حالا کنترل ۲۰ درصد از نفت و گاز و مایعات جهان را عملاً در دست دارد. دیوید پالین، افسر سابق ستاد فرماندهی ارتش آمریکا، واگذاری کنترل هرمز به

در سرزمین‌های اشغالی، آتش بس نه به شکل یک «فرصت»، که به عنوان «فاجعه» توصیف شد. یائیر لاپید، رئیس جریان معارض، گفت: «ما هیچ‌گاه شاهد چنین فاجعه سیاسی نبوده‌ایم. تل‌آویو حتی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به امنیت ماحضور نداشته است.» روزنامه عبری معاریو نوشت: «این آتش بس، هرچند موقت، در خط شروع مذاکراتی قرار دارد که تا این لحظه، تنها یک برنده دارد: ایران و نیروهای نیابتی‌اش.»

غرش شیران به ناله تبدیل شد

آوی اشکنازی، تحلیلگر نظامی معاریو، تصویر را شاعرانه اما تلخ خلاصه کرد: «غرش شیران پس از فروپاشی رؤیاهای نتانیاهو و ترامپ

۱ داخل آمریکا؛ طوفان خشم علیه رئیس‌جمهور بازنده»

در این میان، عوامل داخلی و خارجی متعددی بر روند تحولات اثر گذاشتند. نزدیک شدن انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا، فشارهای اقتصادی ناشی از افزایش قیمت انرژی و افزایش هزینه‌های جنگ، فضایی ایجاد کرد که ادامه درگیری را برای واشنگتن دشوارتر می‌کرد. افزایش چشمگیر قیمت بنزین در آمریکا نیز به عاملی سیاسی تبدیل شد که دولت را تحت فشار افکار عمومی قرار داد. مجموع این عوامل، سبب شد که آتش بس کنونی در فضایی شکل بگیرد که بسیاری آن را نتیجه مقاومت و ایستادگی ایران می‌دانند. درواقع، آنچه در میدان نبرد رخ داد، بار دیگر این واقعیت را یادآوری کرد که در جنگ‌ها، اراده ملت‌ها و توانایی آن‌ها در حفظ انسجام اجتماعی، می‌تواند نقشی تعیین‌کننده داشته باشد.

۲ تناقض برای برکناری ترامپ

سنا تور کریس مورفی گفت: اگر حتی بخشی از بیانیه ایران را دید بگیریم، ترامپ عملاً کنترل تنگه هرمز را به ایران واگذار کرده است؛ چیزی که پیش از آغاز جنگ، وجود نداشت. اد مارکی، سناتور دموکرات، یک گام جلوتر رفت: «ما اصلاً نباید در این جنگ غیرقانونی حضور می‌داشتیم.» او خواستار تشکیل فوری کنگره برای پایان دادن به جنگ و برکناری ترامپ شد.

۳ تحلیل‌گران اقتصادی؛ تنگه‌ای که کنترلش همچنان دست ایران است

در حالی که انتظار می‌رفت اروپا به طور کامل درکنار واشنگتن بایستد، بسیاری از دولت‌های اروپایی، رویکردی محتاطانه‌تر در پیش گرفتند. تأکید آن‌ها بیشتر بر راهکارهای دیپلماتیک و کاهش تنش بود، رویکردی که فاصله‌ای قابل توجه با انتظار اولیه آمریکا داشت.

۴ در جریان بحران، بحث‌هایی درباره تلاش برای ایجاد بی‌ثباتی داخلی در ایران با نقش آفرینی گروه‌های تجزیه‌طلب مطرح شد، با این حال انسجام اجتماعی و کنترل امنیتی در داخل کشور، موجب شد که چنین سناریوهایی به نتیجه نرسد.

۵ توان موشکی ایران، یکی از مهم‌ترین محورهای بحث، پیش از جنگ بود و آمریکا تلاش می‌کرد کشورمان را محدود کند، اما شاهد ضربه شدید به پایگاه‌های آمریکایی و اسرائیلی بودیم.

۶ شکست سنگین در برابر طرح «چشم در برابر چشم» توسط ایران و ضربه به تجهیزات آمریکایی در منطقه.

۷ ترامپ که قصد نابودی تمدن تاریخی ایران را داشت و اعلام کرد که کشورمان را به عصر حجر می‌برد، در نهایت با مقاومت ما، مجبور به پذیرش شروط ایران شد.

۸ بحث تصرف و حمله زمینی به جزایر سه‌گانه و جزیره خارک، از اهداف پرتکرار آمریکایی‌ها خوانده شد که توان نظامی ایران، آن‌ها را پشیمان کرد.

۹ پرونده هسته‌ای ایران، یکی از حساس‌ترین موضوعات این تجاوز بود و درحالی‌که ترامپ بارها ادعا کرده آن را نابود کرده است، غنی‌سازی در بندهای نهایی، خواسته قطعی ایران است.



چرا ما پیروز شدیم؟

۴۰ روز از آغاز نبردی می‌گذرد که بسیاری از افراد در نخستین ساعاتش تصور می‌کردند سرنوشت آن از پیش تعیین شده است. ائتلافی متشکل از قدرت‌های بزرگ نظامی و اقتصادی جهان در برابر کشوری قرار گرفته بود که سال‌ها تحت فشار تحریم‌ها و تهدیدها زندگی کرده بود. اما آنچه در این ۴۰ روز رخ داد، بار دیگر نشان داد که معادلات جنگ، تنها با تعداد جنگنده‌ها و ناوهای هواپیمابر تعیین نمی‌شود؛ گاهی اراده یک ملت، می‌تواند مسیر تاریخ را تغییر دهد.

تغییر موازنه با هم بستگی

از همان ساعات نخست تجاوز دشمن، نشانه‌های این تغییر معادله آشکار شد. خیابان‌های شهرهای ایران، صحنه‌ای متفاوت را به نمایش گذاشتند: مردمی که به جای هراس، با هم بستگی و حضور گسترده درکنار یکدیگر ایستادند. درکنار این حضور مردمی، نیروهای مسلح ایران با آمادگی و سرعتی چشمگیر، وارد میدان شدند. توان موشکی و تجهیزات نظامی کشور که سال‌ها درباره آن بحث و گمانه‌زنی وجود داشت، در همان روزهای نخست، نشان داد که این‌ها، تنها یک شعار یا نمایش نیست، بلکه ابزاری واقعی برای تغییر موازنه قدرت است.

شرایط آتش بس را ما تعیین می‌کنیم

در روز پنجم جنگ، دونالد ترامپ با لحنی قاطع اعلام کرد: «هیچ توافقی با ایران وجود نخواهد داشت؛ مگر تسلیم بدون قید و شرط.» این جمله در بسیاری از رسانه‌های جهان به عنوان نشانه‌ای از موضع سخت‌گیرانه واشنگتن بازتاب یافت. اما گذشت زمان نشان داد که میدان نبرد و واقعیت‌های آن، می‌تواند حتی سخت‌ترین مواضع سیاسی را نیز دگرگون کند. چند هفته بعد، همان رئیس‌جمهور از دریافت یک پیشنهاد ده‌بندی از سوی ایران سخن گفت و آن را «پایه‌ای قابل قبول

اهداف شکست خورده ترامپ

۱ در آغاز جنگ، سخن از «تغییر نظام» به عنوان هدف اصلی فشارها مطرح می‌شد. اما روند تحولات میدانی و مقاومت داخلی، این سناریو را با چالش جدی روبه‌رو کرد. در ادامه حتی مقام‌های آمریکایی ناچار شدند از ادبیات پیشین فاصله بگیرند و واقعیت‌های تازه میدان را بپذیرند.

۲ یکی از سناریوهای مطرح در تحلیل‌ها، تلاش برای تأثیرگذاری بر ساختار رهبری ایران بود. با این حال روندهای قانونی و تصمیم‌گیری‌های داخلی به‌گونه‌ای پیش رفت که چنین گمانه‌هایی عملاً بی‌نتیجه ماند و معادلات سیاسی مورد انتظار طراحان خارجی شکل نگرفت.

۳ تنگه هرمز در طول جنگ، به یکی از کانون‌های اصلی توجه جهانی تبدیل شد. شکست آمریکا در بازگشایی و کنترل این تنگه راهبردی، نشان داد که کنترل و امنیت آن تا چه اندازه در معادلات منطقه‌ای، تعیین‌کننده است.

۴ درحالی‌که انتظار می‌رفت اروپا به طور کامل درکنار واشنگتن بایستد، بسیاری از دولت‌های اروپایی، رویکردی محتاطانه‌تر در پیش گرفتند. تأکید آن‌ها بیشتر بر راهکارهای دیپلماتیک و کاهش تنش بود، رویکردی که فاصله‌ای قابل توجه با انتظار اولیه آمریکا داشت.

۵ در جریان بحران، بحث‌هایی درباره تلاش برای ایجاد بی‌ثباتی داخلی در ایران با نقش آفرینی گروه‌های تجزیه‌طلب مطرح شد، با این حال انسجام اجتماعی و کنترل امنیتی در داخل کشور، موجب شد که چنین سناریوهایی به نتیجه نرسد.

۶ توان موشکی ایران، یکی از مهم‌ترین محورهای بحث، پیش از جنگ بود و آمریکا تلاش می‌کرد کشورمان را محدود کند، اما شاهد ضربه شدید به پایگاه‌های آمریکایی و اسرائیلی بودیم.

۷ شکست سنگین در برابر طرح «چشم در برابر چشم» توسط ایران و ضربه به تجهیزات آمریکایی در منطقه، معادلات جنگ را تغییر داد.

۸ ترامپ که قصد نابودی تمدن تاریخی ایران را داشت و اعلام کرد که کشورمان را به عصر حجر می‌برد، در نهایت با مقاومت ما، مجبور به پذیرش شروط ایران شد.

۹ بحث تصرف و حمله زمینی به جزایر سه‌گانه و جزیره خارک، از اهداف پرتکرار آمریکایی‌ها خوانده شد که توان نظامی ایران، آن‌ها را پشیمان کرد.

۱۰ پرونده هسته‌ای ایران، یکی از حساس‌ترین موضوعات این تجاوز بود و درحالی‌که ترامپ بارها ادعا کرده آن را نابود کرده است، غنی‌سازی در بندهای نهایی، خواسته قطعی ایران است.